

مبانی جرم‌انگاری «رانت اقتصادی» از منظر

فقه *

** حمید شیخی

*** محسن ملک‌افضلی (نویسنده مسئول)

**** سید علیرضا حسینی

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی دلایل جرم‌انگاری رانت اقتصادی در فقه است. رانت پدیده‌ای است که امروزه بیشتر جوامع با دامنه‌ی گسترده‌ای از آثار مخرب آن، در ساحت‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اطلاعاتی مواجه‌اند. «رانت» در ادبیات سیاسی به معنی اعطای امتیاز یا انحصار برای افرادی خاص است که گاه این امتیاز حق مسلم و قانونی تلقی می‌شود، اما در علم اقتصاد ضد ارزش است و درآمد حاصل از آن نامشروع شمرده می‌شود. از آنجا که زمینه‌ساز بخش عمده‌ای از رانت اقتصادی نیز زد و بندهای سیاسی است، جریان‌های سیاسی برای به خدمت گرفتن دولت در راستای منافع اقتصادی حزب، گروه و یا جریان‌های همگرایی خود و گاه برای فشار بر دولت، در پی ایجاد رانت به شکل‌های گوناگون از جمله رانت اقتصادی هستند. با توجه به آسیب‌های عمده رانت اقتصادی در

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷- تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶- نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران/

h.sheykhi@yahoo.com

*** استاد گروه حقوق، جامعه المصطفی العالمیه؛ مدرس مدعو واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات،

ایران/ mohsenmalekafzali@yahoo.com

**** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران/

seyd150@gmail.com



زیرساخت‌های مختلف جامعه، ضروری به نظر می‌رسید تا پژوهشی در این زمینه انجام شود و ضمن بررسی مفصل این آسیب‌ها، مبانی فقهی رانت اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش براساس روش توصیفی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای سامان یافته و بر این فرض استوار است که در قواعد فقه اسلامی دلایل متعددی بر جرم‌انگاری رانت را می‌توان یافت؛ قواعدی از قبیل قاعده لاضرر، اکل مال به باطل، قاعده حرمت اعانه بر اثم و ادله نهی از منکر. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که از منظر فقه حکم تکلیفی رانت و ویژه‌خواری حرمت است و از لحاظ حکم وضعی نیز موجب ضمان رانت‌خواران است و باعث اختلال نظام اسلامی خواهد بود.

کلید واژه‌ها: رانت، رانت‌خواری، ویژه‌خواری، جرم‌انگاری.

مقدمه

در طول حیات اجتماعی بشر همواره افراد و گروه‌هایی در پی تصاحب منفعت بیشتر بوده و هستند و این رقابت بر سر کسب منفعت بیشتر، در جوامع امروزی بیش از پیش پدیدار است. در این میان برخی سودجویان به طور سازمان یافته برای جلب منافع شخصی و صنفی خویش و با نفوذ به لایه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اقتصادی، سعی می‌کنند همچنان منافع بیشتری را برای خود تضمین و تأمین کنند. توسعه این جریان‌ها ممکن است آنچنان قوی و فراگیر باشد که دولت را از مبارزه با آنان ناکام گرداند و روز به روز بر شکاف اقتصادی میان طبقات مختلف جامعه دامن زده و سبب فقیرتر شدن تعداد بیشتری از افراد جامعه شود.

برخی مصادیق رانت و زمینه‌های ایجاد آن، نظام جوامع را در امور بسیاری به ویژه اقتصاد مختل می‌سازد و موجب تضعیف تولید ثروت و بی‌عدالتی در توزیع آن می‌گردد. حکومت‌ها در مسیر مقابله با این گونه پدیده‌ها، تدابیری چون جرم‌انگاری آن را در پیش می‌گیرند و بسته به مبانی نظام‌شان، دلایلی برای جرم‌انگاری فعل یا ترک فعلی ارائه می‌نمایند. پژوهش حاضر نیز بر مبنای نظام کیفی اسلام در صدد پاسخ به این سؤال اصلی است که:

مبانی فقه حکومتی جرم‌انگاری رانت اقتصادی چیست و از جهت تکلیفی و وضعی چه حکمی بر آن مترتب می‌شود؟

سؤالات دیگری که ذیل این سؤال اساسی می‌گنجد که عبارت‌اند از:

۱. مفهوم رانت و رانت‌خواری و پیشینه آن چیست؟

۲. جایگاه رانت‌خواری در ادبیات فقه سیاسی و فقه اقتصادی چگونه است؟

۳. چه آسیب‌هایی از رانت متوجه اقتصاد می‌شود؟

۴. کدام یک از مسائل فقهی با رانت قرابت دارد و می‌توان از آن برای جرم‌انگاری رانت بهره برد؟

درباره جرم رانت تا کنون تحقیقاتی چند به عمل آمده است، از جمله:

۱. شیخ الاسلامی، قبولی درافشان و فخلعی (۱۳۹۷) به بررسی فقهی حکم درآمدهای ناشی از رانت پرداخته‌اند. آنها با استناد به آیه تجارت به این نتیجه رسیدند در صورتی که رانت اطلاعاتی منجر به تضییع حقوق و ظلم به دیگران شود، مصداق باطل بوده و درآمد حاصل از آن اکل به باطل است و نیز در تمام مواردی که اکل به باطل بودن درآمد حاصل از رانت ثابت گردد، شخص، مالک آن درآمد نخواهد بود و نسبت به آن ضامن است.

این مؤلفان (۱۴۰۰)، با استناد به قاعده لاضرر به بررسی فقهی حکم رانت‌خواری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بر اساس این قاعده در هر مصداقی از رانت‌خواری که تضییع حقوق دیگران صورت گرفته باشد حکم حرمت به آن تعلق می‌گیرد. بنابراین انحصار دسته‌ای امتیازات اقتصادی در رانت اقتصادی، تصدی غیر مستحقانه پست‌های سیاسی در رانت سیاسی و همچنین دریافت اطلاعات انحصاری در رانت اطلاعاتی به سبب سواستفاده از موقعیت و یا وابستگی به مراکز قدرت و ثروت حرام است.

۲. کجوری هرج (۱۳۹۸)، به شناسایی پنج ایراد عمده در فرآیند تصویب لایحه بودجه پرداخته است که شامل شیوه بودجه نویسی، ضعف کارشناسی در تصمیمات





بودجه ای در مجلس، وابستگی اطلاعاتی مجلس به قوه مجریه، غلبه نگاه بخشی، منطقه‌ای در تصویب لایحه بودجه و کمبود زمان بررسی لایحه بودجه است. وی با در نظر گرفتن تجربه سایر کشورها و دیگر پژوهش‌های صورت گرفته، راهکارهایی جهت بهبود روند تصویب لایحه بودجه ارائه کرده است.

۳. چهاربند و سبحانی (۱۳۹۷) نحوه قانونگذاری در نظام بانکی ایران را بررسی کردند. بر اساس پژوهش آنان تدوین، اجرا و نظارت ضعیفی بر اجرای قوانین از سوی بانک مرکزی که ناشی از ضمانت اجرایی ضعیف و وجود قوانین نانوشته اجرایی صورت می‌گیرد و از مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکی است که منجر به رانت جویی از طریق مجاری قانونی خواهد شد.

۴. درویش نوری کلاکی، وزیری و یارم طاقلو سهرابی (۱۳۹۵) به بررسی ماهیت رانت‌خواری در حقوق و مذاهب اسلامی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که به دست آوردن هر نوع منفعتی بدون تناسب با تلاش و بر اثر سواستفاده از موقعیت و ایجاد انحصار یا پارتی بازی و قوم‌گرایی که منجر به تبعیض و پایمال شدن حقوق دیگران شود، مصداق بارز رانت‌خواری مفسدانه و از منظر شرعی حرام است.

۵. حسینی (۱۳۹۸) به بررسی مسئله رانت و مبارزه با رانت‌خواری از منظر نهج البلاغه پرداخته است. او به این مطلب اشاره کرده که حضرت علی علیه السلام، آثار مخرب رانت را صدها سال قبل بیان کرده و راه‌های مبارزه با آن را نیز در عمل، اجرایی کرده است. نهج البلاغه در دو حوزه سیاسی و اقتصادی به نفی رانت پرداخته است و آثار و نتایج رانت‌خواری در گفتار و عمل را مورد نکوهش قرار داده است. حسینی معتقد است اگر طبق الگوی امام علی علیه السلام عمل شود، در جامعه عدالت برقرار خواهد شد. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه رانت، مشخص است که از دیدگاه اسلام و حقوق اسلامی، پدیده رانت و مصادیق آن در جامعه حرام است و در تمامی این پژوهش‌ها به این موضوع تاکید شده است اما تا کنون پژوهشی صورت نگرفته که ادله عقلی، نقلی، و دیدگاه قرآن و تمامی مصادیق رانت به صورت یکجا مورد بررسی قرار گرفته باشد، لذا انجام پژوهش حاضر ضروری می‌نمود.

۱. جرم‌انگاری

جرم‌انگاری محدوده و یا بیانیه‌ای است که قانونگذار وضع نموده و برای آن مجازات یا سرزنش به وسیله اعضای جامعه یا حکومت در نظر گرفته شده است و در اصطلاح، جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. (آقابابایی، ۱۳۸۴) بنابراین جرم‌انگاری فرایندی است که در نتیجه‌ی آن عنوانی به عناوین کیفری در قوانین جزائی افزوده می‌شود. در ذیل، برخی از انواع جرم‌انگاری اشاره می‌شود:

۱.۱. جرم‌انگاری تقنینی؛ که اصلی‌ترین و منطقی‌ترین نوع جرم‌انگاری بوده و مسبوق به اصل جهان شمول قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست. این نوع جرم‌انگاری وابسته به مذهب یا دین نیست و به طور مستقل وارد عمل می‌گردد. (شکرچی‌زاده، ۱۳۸۰)

۲.۱. جرم‌انگاری قضایی؛ که به دو صورت پنهان و آشکار قابل تشخیص است. نوع آشکار آن جرم‌انگاری به وسیله آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور است و نوع پنهان آن جرم‌انگاری شخصی به وسیله قضات دادگستری است که در مقام مواجهه با موارد ابهام و اجمال قانون و برای گریز از چهارچوب‌های خشک قوانین و گاهی با تصور، و گاهی به جهت خدمت به جامعه انجام می‌گیرد. (همان)

۳.۱. جرم‌انگاری فتوایی؛ جرم‌انگاری بوسیله فتاوا و منابع فقهی معتبر، که مبنای آن اصل ۱۶۷ قانون اساسی است و در ماده ۲۱۴ آیین دادرسی کیفری نیز بر آن تاکید شده است. (همان) این نوع از جرم‌انگاری وابسته به قوانین بشری نبوده و منبع و سرچشمه‌ی آن دستورات دینی و الهی در آیات و روایات است و شارع مقدس برای فعل و یا ترک آن پاداش و عقاب قرار داده است.





۲. مفهوم رانت

کلمه «رانت» تلفظ فارسی واژه‌ای در زبان فرانسوی^۱ است، که گاهی به «اجاره» ترجمه می‌شود. رانت در لغت به هرگونه عائدی و درآمد حاصل از سرمایه، خانه و غیره است. (پارسایار، ۱۳۸۵، ذیل واژه) رانت در انگلیسی نیز همین معنا را دارد (حییم، ۱۳۸۷)، این واژه در معانی بهره مالکانه، کرایه و اجاره گرفتن اشیاء نیز به کار می‌رود. (کبریایی، ۱۳۹۲)

مفهوم رانت از دیرباز در اقتصاد سیاسی مطرح بوده و بزرگان حوزه اقتصاد سیاسی، همچون آدام اسمیت، ریکاردو و سایرین پیرامون آن مطالبی نگاشته‌اند. اقتصاددانان کلاسیک، رانت را هر نوع درآمد بدون زحمت می‌دانستند و به طور کلی، رانت اقتصادی را در سه گروه، رانت زمین (اجاره)، رانت مالی (نزول یا ربا) و رانت انحصاری دسته‌بندی می‌کردند. اما در علم اقتصاد امروز رانت درآمدی است که بی‌تلاش به دست می‌آید و رانت خوارها با استفاده از نفوذ سیاسی و اقتصادی شان یا از طریق آشنایانی که صاحب این نفوذ هستند به صورت غیرقانونی به منابع مالی دست پیدا می‌کنند و به کسب ثروت می‌پردازند. (حاج‌یوسفی، ۱۳۷۸)

به طور کلی هر عاملی که سبب خروج از حالت رقابتی و ورود به حالت انحصار و یا شبه انحصار در اقتصاد شود، عامل رانت است. ب‌ر اساس سیر تحول مفهوم رانت عوامل دخیل در رانت را می‌توان بدین ترتیب برشمرد: کمیاب بودن منابع به صورت طبیعی و یا کمبود ظرفیت عوامل، تأثیرگذاری دولت و اطلاعات.

تصور مترادف «رانت» و «فساد» در این مبحث صحیح نیست، چرا که هر رانتی خلاف عدالت نیست تا فسادانگیز باشد و رانت اقتصادی لزوماً حرام فقهی و یا امر غیر قانونی نیست. بنابراین در جرم‌انگاری رانت باید ابعاد مختلف و مصادیق متعددی را از لحاظ علم اقتصاد و مباحث شرعی در نظر گرفت تا مصادیق رانت مجرمانه معین گردد. از سوی دیگر رانت به معنای سود حاصل از مرغوبیت زمین و یا تولید انحصاری یک محصول که حاصل دانش و تلاش خود فرد است و آن فرد

^۱. rent



می‌تواند با کم و یا زیاد کردن تولید، قیمت آن کالا را افزایش دهد، بدون اینکه دزدی، کلاه برداری و یا جرم دیگری را مرتکب شده باشد و یا به کسی ظلم کند، به طور قطع مورد بحث این پژوهش نیست، زیرا این کار غیر قانونی و یا حرام نیست. مقصود از رانت در این پژوهش مصادیق عناوین کلی زیر و موارد مشابه آن خواهد بود که تحت عنوان بی‌عدالتی یا ظلم قرار می‌گیرند و طبق یک قاعده فقهی که ذکر خواهد شد از نظر اسلام جرم تلقی می‌شوند:

۲.۱. رانت اقتصادی

اگر ایجاد یک سری محدودیت‌ها در بازار از سوی تصمیم‌گیرندگان اقتصادی، امتیازات ویژه و انحصاری را برای خود آنها یا گروه خاصی از اشخاص و یا گروه‌ها در پی داشته باشد، درآمد حاصل از این امتیازات، رانت اقتصادی گفته می‌شود. در واقع رانت مصطلح بدون قید، همان رانت اقتصادی است. (سردارآبادی، ۱۳۸۴؛ نقل در شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۷)

۲.۲. رانت سیاسی

کسب هر سطح از قدرت سیاسی بدون پرداخت هزینه‌های لازم و ضروری را رانت سیاسی می‌گویند. (درویشی، ۱۳۸۷) این قدرت منجر به کسب درآمد مازاد بر هزینه فرصت‌های صرف شده‌ای که در یک حالت غیر رقابتی و بر اساس رابطه غیر مستحقانه ایجاد شده است می‌گردد. (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۷)

۲.۳. رانت اطلاعاتی

دستیابی به یک سری اطلاعات انحصاری که بدون رقابت با دیگران به دست آمده است و منجر به کسب درآمد بادآورده می‌شود. (کاظمی، ۱۳۸۳؛ به نقل شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۷) مانند شخصی که به واسطه آگاهی از احداث زمین در یک منطقه شهری اقدام به خرید زمین یا ملکی در آن منطقه می‌کند تا در آینده چند برابر هزینه‌ای که داده به دست آورد.



اگر به علت نزدیکی به قدرت و منابع قدرت کسی پیش از سایرین از تغییراتی مانند نرخ ارز و یا پروژه‌های عمرانی در منطقه‌ای و یا هر گونه اطلاعاتی مطلع شود و از این طریق منافی کسب کند در دایره مفهومی بحث ما قرار می‌گیرد، اما آن اطلاعاتی که بر مبنای تحلیل‌های علمی از بازار و شرایط و قوانین اقتصادی به دست می‌آید خارج از موضوع پژوهش حاضر است.

بنا بر آنچه ذکر شد حرمت شرعی، تخلف قانونی و تعارض با منافع عمومی ملاک‌های تعیین رانت حرام خواهند بود و مواردی که دلیلی بر حرمت، تخلف از قانون، تعارض با منافع و مصالح عمومی آن وجود ندارد از موضوع بحث حاضر خارج می‌شود.

۳. ادله حرمت رانت از دیدگاه آیات قرآن

همان‌گونه که ذیل عنوان مفهوم شناسی جرم اشاره شد مبنای جرم‌انگاری فتوایی و به عبارت دیگر جرم‌انگاری در فقه دستورات شارع مقدس است که به طور کلی «انجام یا بیان آنچه شارع از آن نهی نموده و یا ترک آنچه به آن امر نموده جرم است». بنابراین هر آنچه مصداقی از عمل به فعل منهی و یا ترک فعل واجب باشد جرم تلقی می‌شود. در آیات قرآن به جز واژه «جرم»، واژگان و تعبیر مختلفی دال بر جرم‌انگاری فعل و ترک فعل وجود دارد که تنها به چند مورد قرآنی و چند روایت اشاره می‌کنیم که قرابت زیادی با بحث حاضر دارد:

۳.۱. آیات نهی از اکل مال به باطل

سیستم اقتصادی ناسالم در هر جامعه‌ای، زمینه قیام محرومان علیه زراندوزان و بروز درگیری‌ها و پیدایش قتل و هلاکت جامعه را فراهم می‌آورد. به طور کلی مالکیت فردی، محترم است و تصرف در اموال دیگران، جز از راه معاملات ناپسند و حرام است. این نکته حائز اهمیت است که جامعه، دارای روح واحد و سرنوشت مشترك است و می‌بایست افراد جامعه اموال دیگران را همچون اموال خودشان محترم بشمارند. احکام و مقررات اسلام که پرتوی از رحمت خداوند هستند جهت اصلاح جوامع و ایجاد عدالت و نظم در جامعه صادر شده‌اند. یکی از آیاتی که در



آن خداوند به روشنی در زمینه ممنوعیت اکل مال به باطل سخن گفته است آیه ۲۹ سوره نساء است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا. (نساء: ۲۹)»

جرجانی در «آیات الاحکام» مراد از «باطل» را سبب باطل و نامشروع مانند سرقت و قمار و عقود فاسد و مثل آن می‌داند و می‌فرماید ظاهراً مراد از «اکل مال» مطلق تصرف در مال غیر است و «عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» دال بر آن است که مجرد عقد بی‌رضایت طرفین کافی نیست. بنابراین عقد مکره و تصرف او صحیح نیست، مگر بعد از زوال اکراه و راضی شدن مکره و مراد از تجارت عام عقد و معاطات است. (جرجانی، ۲/۱۳۶۲)

مقدس اردبیلی نیز مقصود از آیه را تصرف بدون وجه شرعی در اموال دیگران مثل ربا و غضب و قمار می‌داند و منظور از «عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» دلالت بر عدم جواز تصرف در مال غیر بدون اذن صاحبش و یا اذن شرعی بیان می‌دارد و تقدیر نهفته در باطل را قمار و ربا و فریب در معامله و ظلم فرض می‌کند. (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۴۲۷)

فاضل مقداد «أكل الأموال بالباطل» را عام از هرآنچه که شارع مباح ندانسته می‌داند همچون غضب، سرقت، خیانت و عقود فاسد که چه ربوی باشند چه نباشند و فسادشان به سبب دیگری باشد که در کتب فقهی آمده است. (فاضل مقداد، ۲/۱۳۷۷) این آیه درباره حرام بودن معاملات باطل است (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳: ۴)، لذا هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتاتی که حد و حدود آن کاملاً مشخص نباشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسایل فساد و گناه، همه در تحت این قانون کلی قرار دارد. (بابایی، ۱/۱۳۸۲)

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را در میان خود به باطل (از راه نامشروع) مخورید مگر آنکه تجارتی از روی رضایت میان شما انجام یابد، و خودکشی نکنید و همدیگر را نکشید، و خود را به هلاکت گناه نیفکنید که همانا خداوند همواره به شما مهربان است



با توجه به مفاد آیه رانتی که مصداق خوردن مال به باطل بوده و تصرف باطل باشد حرام است و فرد در صورت تصرف و عدم عودت آن ضامن است، زیرا تضييع حقوق و ظلم به ديگر افراد است.

مصداق مفاد این آیه به صراحت شامل رانت‌های ذیل عناوین «رانت مالی» و «رانت حاصل از انحصار» می‌شود و رانت‌های تحت عناوین «رانت حاصل از تأثیر گذاری دولتی»، «رانت حاصل از اطلاعات» و «رانت حاصل از سایر موارد» نیز طبق شروط بیان شده در آن‌ها می‌توانند مصداق مفاد آیه باشند.

در «رانت اقتصادی»، مال و آنچه در حکم مال است نقل و انتقال می‌یابد. در «رانت سیاسی» هم، پست و سمتی به شخص می‌رسد، اما «رانت اطلاعاتی» قدری پیچیده‌تر است، چرا که این اطلاعات گاهی منجر به شرکت در یک خرید و فروش و معامله و کسب درآمد هنگفت می‌شود و گاهی منجر به کسب درآمد از غیر آن می‌شود. در نتیجه این شخص با آگاهی از قیمت‌ها بدون اینکه شرایط را داشته باشد، با سبب باطلی به نام «رانت» در مناقصه شرکت کرده است. دقیقاً مانند کسی که با سبب باطلی به نام رانت، در رانت اقتصادی کسب درآمد کرده و یا کسی که به سبب باطل انتصاب در سمتی که استحقاق آن را نداشته در رانت سیاسی به عوایدی رسیده است. عرف قطعاً چنین موردی را داخل در عنوان باطل دانسته و کسب درآمد از طریق آن را «اکل المال بالباطل» می‌داند، چرا که تضييع حقوق ديگران را در پی داشته و شخص نسبت به درآمد حاصله استحقاق نداشته است. (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۷)

یادآور می‌شود چند آیه دیگر از قران کریم در سیاق آیه فوق هستند که از بیان تفصیلی در مورد این آیات صرف نظر می‌شود. این آیات عبارت است از آیه ۱۶۱ سوره نساء، آیه ۶۳ سوره مائده و آیه ۳۴ سوره توبه.

۲.۳. آیه نهی از فحشاء و منکر

اصلاح و افسادی که به طور متعارف در امور اجتماعی به کار می‌رود، تقریباً با عدل و ظلم تطبیق می‌کند و به عبارتی دارای مصداق مشترک‌اند، زیرا اصلاح

اجتماعی، تنظیم روابط اجتماعی است، به گونه‌ای که جامعه در مسیر کمال مطلوب و هدف نهایی حرکت کند و حق هر کسی به او داده شود که روابط عادلانه نیز بر همین معنا اطلاق می‌شود، چنان که در غیر این صورت جامعه فاسد است و روابط اجتماعی، ظالمانه.

پس اقامه عدل در مفهوم گسترده‌اش، اصلاح، و رفتار ستمگرانه در معنای وسیعش افساد گفته می‌شود، حال در هر محدوده و متعلق به هر چه باشد، مثل حیات، سلامت، مال، آبرو، اخلاق و عقیده، زیرا اعضای جامعه، حق دارند که امنیت جانی، بدنی، مالی، آبرویی، اخلاقی و عقیدتی داشته باشند و هر عاملی که به تأمین این حقوق کمک کند، به اصلاح جامعه یاری رسانده است و به عکس، هر عاملی که این حقوق را تضییع کند، عامل فساد اجتماعی خواهد بود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۳) فحشا و منکر اقامه عدل را در جامعه با اختلال مواجه خواهد کرد و در قرآن کریم به شدت از آن نهی شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ». (نحل ۹۰:); به یقین خداوند به عدالت (فردی و عانلی و اجتماعی) و نیکی کردن و ادای حقوق خویشاوند (خود و خویشاوند معصوم پیامبر) فرمان می‌دهد، و از گناهان بسیار زشت و عمل‌های ناپسند و تعدی و تجاوز بازمی‌دارد. شما را پند می‌دهد، باشد که تذکر یابید.

علامه طبرسی در جوامع الجامع می‌فرماید: «فاحشه عمل خلافی است که از حدود قانون الهی تجاوز کند، و منکر چیزی است که عقل آن را زشت بداند، و «بغی» تعدی و افزون طلبی از روی ظلم و ستم می‌باشد. (طبرسی، ۲/۱۳۷۷)

ایشان در «مجمع البیان» ذیل این آیه نیز می‌فرمایند: «بغی، تعدی به مردم است. ابن عباس گوید: «فحشا»، زنا و «منکر»، هر چیزی است که مورد انکار شرع باشد و «بغی» ظلم و تکبر است». (طبرسی، ۶/۱۳۸۴)

علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: «کلمه فحش و فحشاء و فاحشه به معنای کردار و گفتار زشتی است که زشتی آن بزرگ باشد».



ایشان در ادامه می‌فرمایند:

و بعید نیست که اصل در معنای آن خروج از حد در کار غیر سزاوار باشد، و لذا گفته می‌شود غبن فاحش یعنی بیش از حد تحمل مغبون شدن و معنای منکر، آن کاری است که مردم در جامعه خود آن را نشناسند، یعنی در جامعه متروک باشد، حال یا بخاطر زشتیش و یا به خاطر اینکه جرم و گناه است، مانند عمل موافقه و یا کشف عورت در انظار مردم، آن هم در جوامع اسلامی. و کلمه «بغی» در اصل به معنای طلب است، ولی چون زیاد در طلب حق دیگران با زور و تعدی استعمال شده، لذا فعلاً از این کلمه معنای استعلاء و استکبار و گردن کلفتی نسبت به دیگران و ظلم و تعدی نسبت به آنان فهمیده می‌شود، و چه بسا که به معنای زنا هم به کار برود، لیکن در آیه مورد بحث معنای تعدی و ظلم بر غیر است. این سه عنوان یعنی فحشاء و منکر و بغی هر چند از نظر مصداق غالباً یکی هستند، مثلاً هر کاری که فحشاء باشد غالباً منکر هم هست، و هر کاری که بغی باشد، غالباً فحشاء و منکر نیز هست، لیکن نهی در آیه متعلق به آن‌ها شده به خاطر عنوانی که دارند، چون وقوع اعمالی که یکی از این سه عنوان را دارد در مجتمع باعث شکاف عمیق میان اعمال اجتماعی صادره از اهل آن اجتماع می‌شود. پس نهی از فحشاء و منکر و بغی، امری است در معنا به اتحاد مجتمع، تا اجزای یکدیگر را از خود بدانند، و اعمال افراد همه یک نواخت باشد، بعضی بر بعضی دیگر استعلاء نکنند، و دست ستم بسوی یکدیگر دراز نکنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷/۱۲)

بر اساس مفاد و اطلاق آیه هر رانتی که مصداق خروج از عدالت چه جزئی و چه کلی باشد و یا از مصادیق فحشاء، منکر و بغی شود، مورد نهی خداوند متعال قرار گرفته است و در جای خود اثبات شده که نهی، دلالت بر حرمت دارد. بر این اساس با توجه به اینکه رانت نیز از مصادیق منکر و بغی است مشمول نهی این آیه شده و حکم حرمت بر آن بار می‌شود.

بر اساس مستندات و آنچه تا کنون ذکر شد، (رانت از هر نوع آن) به عنوان ظلم و تجاوز به حقوق دیگری محسوب می‌شود که این امر خارج از عدالت است. در آیه مذکور نیز خداوند متعال به صراحت از خروج از عدالت (که از جمله گناهان بسیار

زشت و ناپسند است) نهی می‌کند، لذا به این ترتیب رانت و رانت‌خواری مورد نهی خداوند است و نسبت به آن تذکر داده شده است.

۴. قواعد فقهی

۴. ۱. قاعده حرمت اکل مال به باطل

آیات متعددی از قرآن کریم به موضوع «اکل مال به باطل» و نهی از آن اشاره دارند. برخی از این آیات که مبنای قاعده «حرمت اکل مال به باطل» هستند، عبارت‌اند از آیه ۱۸۸ بقره، ۳۴ توبه و ۲۹ نساء.

با اینکه شأن نزول و مصادیق آیات یاد شده یکسان نیست، اما وجه اشتراک این آیات در اطلاق لفظ «باطل» بر مصادیق مورد اشاره در آن‌ها و نیز تصریح بر نهی از «اکل مال به باطل» است.

ماده «اکل» به معنای خوردن است (راغب اصفهانی) که در اینجا به عنوان کنایه‌ای از هر نوع تصرف و تملک به کار رفته است. علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید مراد از «اکل» مطلق تصرفات است، تصرفات مالکانه‌ای که باعث قطع تسلط غیر شود. (علامه طباطبایی، ۴/۱۴۱۷)

ابن اثیر می‌گوید: «المالُ فی الأصلِ ما یملکُ مِنَ الذَّهَبِ وَ الفِضَّةِ ثُمَّ أُطْلِقَ عَلٰی کُلِّ مَا یُقْتَنَى وَ یَمْلَکُ مِنَ الْأَعْيَانِ».

علامه حلی ضمن تاکید بر لزوم اشتراط مالیت در عوضین، مبادله چیزی را که منفعت عقلایی ندارد، از مصادیق باطل می‌شمارد. (علامه حلی، ۲/۱۴۱۹)

بر این اساس، خرید و فروش اشیائی که منافع حلال عقلایی و ارزش مبادله ندارند و یا از سوی شرع حرام و ممنوع شده‌اند، باطل و تحصیل درآمد و کاسبی با آنها، «اکل مال به باطل» می‌باشد.

ماده «بطل» به معنای نابودی و ناپایداری بوده و ضد ماده «حق» است، همان‌گونه که الباطل نقیض و مقابل حق است، یعنی چیزی که به هنگام بحث و تحقیق





حقیقتی و ثباتی ندارد. خدای تعالی می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ». (حج: ۶۲)

باطل بودن و باطل شدن را در گفتار و کردار هر دو به کار می‌برند. می‌گویند: «بَطَلٌ بَطُولًا، بَطَلًا و بَطْلَانًا، أَبْطَلَهُ غَيْرَهُ»، چنان‌که در آیه «وَبَطَّلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (اعراف: ۱۱۸) که بطلان و پوچ شدن عمل است؛ و آیه «لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ». (بقره: ۴۲) که اشاره به بطلان فکری است

مراد از باطل در آیات ۱۸۸ بقره، ۳۴ توبه و ۲۹ نساء، که مفسرانی چون علامه برخی از آن‌ها را ذکر کرده و برای آن شواهدی از کتاب و سنت اقامه کرده‌اند موارد ذیل است:

رباخواری، رشوه‌گیری، سوگند به دروغ، ظلم و ستم، قمار، خوردن مال یتیم، لهو و لعب، غصب و تصرفات عداونی، هر شیء پلید، مبادلات و معاملات غیر مشروع و فاسد، درآمدهای نامشروع، صرف اموال در مسیرهای حرام و ناپسند و بالاخره بر هر غیرحق و استفاده غیرعقلایی از اموال.

بر این اساس، باطل مفهوم وسیع و عامی دارد که هر چیز ناحق، بی‌هدف و غیرعقلانی را در بر می‌گیرد.

باطل در آیات شریفه می‌تواند شامل باطل شرعی (چیزی که از ناحیه شرع بر بطلان آن تصریح شده، مانند ربا، قمار، ظلم، غصب) و باطل عرفی (چیزی که در تشخیص و فهم عرف، باطل محسوب شود) باشد و به نظر می‌رسد، هر دو قسم را در بر گرفته و اختصاص به باطل شرعی ندارد.

در واقع شناخت باطل نیز، همچون سایر مفاهیم و مصادیق به عرف واگذار شده، مگر آنکه شرع در مورد آن نظر خاصی را اعمال کرده باشد.

بنابر آنچه گفته شد مضمون قاعده «اکل مال به باطل» این است که هر گونه تصرف در اموال باید بر اساس حق و عدالت و بر مبنای صحیح صورت گیرد و هر چه غیر از این باشد، حرام و باطل است. به عبارت دیگر، تحصیل درآمد از راه‌هایی

که عرف آن را باطل می‌شمارد و یا استفاده از آن از نظر شرع ممنوع است، مشمول ممنوعیت و حرمت اکل مال به باطل است.

بنابر آنچه بیان شد این قاعده هرگونه تصرف در اموال دیگران بدون سبب شرعی را شامل می‌شود که در موضوع رانت موارد تحت عنوان رانت مالی، رانت حاصل از انحصار، رانت حاصل از تاثیرگذاری دولتی و سایر مصادیق رانت را پوشش می‌دهد.

۴.۲. قاعده لاضرر

قاعده «لاضرر» یکی از قواعد معروف فقهی است که در مباحث مختلف فقهی و حقوقی آثار فراوانی دارد. فراهیدی می‌گوید: «الضَّرَرُ: النقصان يدخل في الشيء، تقول: دخل عليه ضَرَرٌ ماله؛ ضرر به معنای نقصان وارد شده بر چیزی است از همین باب می‌گویند که ضرر بر مالش وارد شد». (فراهیدی: ۱۴۰۹)

قزوینی در «مقاییس اللغه» ضرر را ضد نفع معنا می‌کند. ازهری می‌گوید: «مفعمنی قوله: «لا ضرر» أی لا یُضَرُّ الرجلُ أخاهُ فینقص شيئاً من حقه أو مسلکة، و هو ضِدُّ النفع»؛ معنای لاضرر در حدیث نبوی یعنی شخص نمی‌تواند به برادر دینی‌اش آسیبی برساند تا در نتیجه آن نقصی در حق و حقوق او وارد شود و این ضد نفع است. (ازهری: ۱۴۲۱)

اما کلمه «ضرار» بر وزنِ فِعَالِ مصدر باب مفاعله می‌باشد و دلالت بر ایراد ضرر از طرفین به یکدیگر دارد به تعبیر دیگر در «ضرار» طرفینی بودن با توجه به باب مفاعله مفروض است. (ابن اثیر: ۱۳۹۹ق)

برخی از آیات دال بر قاعده لاضرر عبارت‌اند از آیات ۲۸۲، ۱۹۶، ۲۳۳، ۲۳۱ و ۱۷۳ سوره بقره، آیه ۱۲ سوره نساء و آیه ۶ سوره طلاق.

از مهم‌ترین روایت دال بر آن نیز داستان سمرة بن جندب است که فخرالمحققین در کتاب «ایضاح الفوائد»، درباره آن ادعای تواتر کرده است. قاعده لاضرر از نظر مستند و دلیل قوی است و دلایل عقلی محکمی نیز وجود دارد که آن را در زمره





مستقلات عقلیه قرار می‌دهد. فقها در مورد مفاد و معنای قاعده لاضرر اختلاف نظر دارند و در این رابطه نظریات گوناگونی ارائه شده است:

۱. نهی از وارد کردن ضرر به صورت حکم مولوی حکومتی. (موسوی خمینی، ۱۴۱۰/۳)
۲. نهی از وارد کردن ضرر به دیگری (یا به صورت مطلق حتی بر خویش). (شریعت اصفهانی، بی تا)
۳. نفی حکم ضرری به وسیله نفی موضوع ضرری. (آخوند خراسانی: ۱۴۰۹)
۴. نفی حکم ضرری. (شیخ انصاری: ۱۴۲۰)

مفاد قاعده لاضرر و حدیث معروف «لاضرر و لااضرار» آن است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و این عدم مشروعیت مطلق بوده و مرحله تشریح و اجرای قواعد و قوانین را شامل می‌گردد. معنای قاعده لاضرر این است که در اسلام هیچ ضرر و اضرائی وجود ندارد. (مشکینی، ۱۳۸۶)

بنا بر آنچه دربارهی این قاعده بیان شد اسلام ما را از ضرر به دیگران نهی می‌کند، بنابراین هرگونه فعل یا ترک فعل مصداق اضرار به دیگران نهی شده است.

این قاعده در موضوع رانت شامل مصادیق ذیل عنوان رانت مالی، رانت حاصل از انحصار، رانت حاصل از تاثیرگذاری دولتی، رانت اطلاعاتی و سایر موارد می‌شود.

۳.۴. قاعده حرمت اعانه بر اثم

در کتب متقدم فقهی این قاعده ضمن طرح مسائلی چون فروش انگور برای ساخت شراب یا فروش چوب برای بت تراشی و یا خدمت کردن در دستگاه ظالمان مطرح شده است. برای مثال شیخ انصاری در مکاسب محرمة در بحثی تحت عنوان «معونة الظالمین» به آن اشاره می‌کند. (شیخ انصاری، ۱/۱۴۱۵) اما فقهای متأخر به این موضوع تحت عنوان «قاعده اعانه بر اثم» از آن نام می‌برند.



فقه‌های شیعه در مفهوم «اعانت بر اثم» و شرایط آن، اتفاق نظر ندارند، از این رو تعریف‌های مختلفی که بیشتر ناظر به ملاک صدق اعانت بر اثم است، بیان کرده‌اند که در این میان به نظر می‌رسد کلام مرحوم اردبیلی یعنی «قصد معین نسبت به تحقق فعل حرام توسط معان یا صدق عرفی این عمل» (مقدس اردبیلی، بی‌تا) ملاک مناسبی برای داوری نسبت به صدق عنوان «اعانت بر اثم» است، یعنی یا معین قصد داشته باشد که معان به واسطه کمک او مرتکب کار حرام شود یا اگر چنین قصدی را هم ندارد، عرف عمل معین را یاری بر گناه به حساب آورد. بنابراین اگر عمل معین از مقدمات دور برای تحقق حرام باشد، چون چنین کاری مصداق اعانت بر اثم نیست، آن عمل حرام نخواهد بود، اما اگر عمل معین از مقدمات نزدیک برای وقوع حرام باشد، بنا به فهم عرفی انجام این عمل اعانت بر اثم بوده، حرام خواهد بود.

حرمت «اعانه بر اثم» در بیان فقها مستند به دلایل زیر است:

۱. آیه شریفه «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان». (مائده:

۲)

گروهی از فقها از این آیه شریفه حرمت اعانه بر اثم را استنباط نموده‌اند؛ با این استدلال که در این آیه تعاون بر اثم نهی شده است و نهی دلالت بر حرمت دارد.

۲. روایت پیامبر ﷺ که فرمودند: «من اعان علی قتل مسلم و لو بشرط کلمة، جاء یوم القیامة مکتوباً بین عینیة: آیس من رحمة الله». (حرعاملی، ۱۹/۱۴۱۴)

کسی که همکاری و کمک کند برای قتل مسلمانی و لو دخالتش در حد یک کلمه باشد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که بین دو چشمش نوشته شده است: «ناامید از رحمت خدا».

۳. روایت «من مشی الی ظالم لیعینه و هو یعلم انه ظالم فقد خرج عن الاسلام...». (علامه مجلسی، ۷۲/۱۴۰۳)

۴. روایت «من علق سوطاً بین یدی سلطان جابر، جعلها الله حیة طولها سبعون الف ذراع فیسلطها الله علیه فی نار جهنم خالداً مخلداً؛ کسی که شلاقی را در



دست ظالم قرار دهد، خداوند آن شلاق را در روز قیامت تبدیل به ماری می‌کند که طول آن هفتاد هزار زرع است. خداوند این مار را بر آن شخص مسلط می‌کند و این فرد همیشه در جهنم خواهد بود. (همان)

این روایات در مورد اعانت بر ظلم است، لذا نمی‌توانیم این روایت را در عموم «اعانت بر اثم» هم جاری بدانیم، چون اثم مطلق جرم و گناه است، اما عدوان فقط ظلم است (عطف خاص بر عام) مگر اینکه بپذیریم اثم و عدوان به یک معنا هستند، چنان که مرحوم طبرسی در «مجمع البیان» هر دو واژه عدوان و اثم را به معنای سرکشی از فرمان خدا دانسته است، با این تفاوت که اثم سرکشی منفی و عدوان سرکشی مثبت است. در این صورت، با توجه به این معنا، روایات وارده در خصوص «معونة الظالمین» در مورد «اعانه بر اثم» قابل استفاده‌اند و همین طور که گفته شد به قرینه کنار هم بودن اثم و عدوان در آیه شریفه با ضمیمه نمودن روایات فوق، می‌توانیم آن‌ها را در مورد مطلق اثم جاری بدانیم.

دلیل عقل اقامه شده بر حرمت اعانه اثم را نیز می‌توان چنین بیان کرد:

همچنان که انجام منکر عقلاً قبیح است و همچنان که امر به آن و تشویق به سوی آن عقلاً قبیح است، انجام مقدمات برای منکر هم قبیح است. به خاطر همین، قوانین عرفی عهده دار وضع مجازات برای معین جرم هستند. پس اگر کسی سارقی را در سرقت کمک کند یا با او در مقدمات آن همکاری کند، در نظر عقلا و قوانین کیفری مجرم است؛ که نظیر آن در شرع وارد شده است؛ مثلاً جایی که شخصی، دیگری را بگیرد و نفر سوم او را بکشد و یک نفر ناظر باشد. قاتل قصاص می‌شود، ممسک (گیرنده) به حبس ابد محکوم شده و ناظر کور می‌شود. این حرف با آنچه در علم اصول گفته شده که مقدمات حرام، حرام نیست تنافی ندارد، زیرا آنچه که در اصول گفته شده، انکار ملازمه بین حرمت اشیا و حرمت مقدمات آن است و آنچه که در اینجا اثبات کرده‌ایم ادراک عقل به قبح تعاون بر معصیت و گناه است، نه به خاطر اینکه مقدمه حرام است، بلکه به خاطر اینکه عقل مستقلاً به قبح اعانه بر حرامی که از دیگری صادر می‌شود حکم می‌دهد. پس نزد عقل، معین جرم مانند شریک جرم است، اگر چه در میزان قبح با هم متفاوت‌اند. (منتظری: ۱۴۱۵)

بنا بر آنچه بیان شد این قاعده در موضوع رانت می‌تواند موارد رانت حاصل از انحصار، رانت حاصل از تاثیرگذاری دولتی، رانت اطلاعاتی را شامل شود.

۴.۴. قاعده حرمت اختلال در نظام

نظام‌های گوناگون (نظام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی)، از نیازهای اجتماعات بشری است و آنچه سبب از هم پاشیدگی هریک از این نظام‌ها یا ضربه به آن‌ها و اختلال در آن‌ها شود، بی‌گمان جایز نیست و این بدان معناست که حفظ نظام اجتماعی و زیر نظام‌های یاد شده واجب است. وجوب حفظ نظام یک واجب عینی و گاهی واجب کفایی، واجب نفسی و گاهی واجب غیری و یک واجب مشروط است. (ملک افصلی: ۱۳۹۷)

به عبارت دیگر، همان‌طور که اختلال در آن‌ها جایز نیست، حفظ آن‌ها واجب است و هر عملی که سبب حفاظت از آن‌ها شود، انجامش واجب است. (وحید بهبهانی: ۱۴۱۷) بی‌گمان یکی از آثار زیان‌بار رانت و رانت‌خواری، اختلال در نظام اقتصادی است که در دایره‌ی گسترده‌تر اختلال در نظام سیاسی و اجتماعی را موجب می‌شود و به روشنی می‌توان رانت را ذیل قاعده حرمت اختلال در نظام و ادله آن جرم دانست و حرمت آن را اثبات نمود. از این‌رو قاعده مذکور تمامی موارد رانت مالی، رانت حاصل از انحصار، رانت حاصل از تاثیر دولتی، رانت اطلاعاتی و سایر موارد می‌شود.

۵. ادله نفی انحصارطلبی در نظام توزیع

در نظام اقتصادی اسلام از بعضی از احکام و آداب این‌گونه برداشت می‌شود که نباید شرایط و نظامات اقتصادی به گونه‌ای تنظیم گردند که بستر انحصار در تولید و عرضه کالا و خدمات فراهم شود و یا به گونه‌ای باشد که فعالان اقتصادی با آزادی به بستر سازی در این زمینه دامن بزنند، بدین معنا که تنها یک بنگاه یا فرد تولیدکننده یا فروشنده کالا یا خدمت، تولید یا عرضه کالا و توزیع در بازار را در اختیار داشته باشد و عرضه‌های تولید و عرضه، از رقابت سالم خارج شود. (مکارم شیرازی،

(۲/۱۴۲۷)



از جمله این موارد نفی و نهی می‌توان به حرمت احتکار و حرمت و کراهت تلقی رکبان اشاره کرد.

احتکار به معنی انبار و حبس کردن اجناس مورد نیاز مردم، به ویژه محصولات کشاورزی و مواد غذایی، به منظور بالا رفتن قیمت آن است. (همان: ۴۲۹) شکی نیست که احتکار اگر به قصد اضرار به مسلمانان و یا موجب اختلال در نظام زندگی اجتماعی آنان شود حرام است. (نجفی، ۲۲/۱۳۶۲) بنابراین مناط حرمت احتکار که قاعده لاضرر و نیز مصلحت حفظ نظام و حرمت اختلال در نظام هستند، در این موضوع و مصادیق رانت نیز جاری‌اند. از رورانت نیز از دو جهت اضرار به غیر و اخلال در نظام اقتصادی و اجتماعی می‌تواند حرام و جرم تلقی شود.

«تلقی رکبان» در فقه عبارت است از استقبال اهل شهر در خارج شهر از کاروان‌های تجاری، که برای فروش کالاهای خود یا تهیه کالاهای مورد نیاز، قصد ورود به شهر را دارند به منظور خرید کالاهای آنان به بهای کمتر یا فروش جنس به ایشان به قیمت گران‌تر از آنچه در شهر معامله می‌شود. تلقی رکبان بنا بر مشهور مکروه است، ولی در اینکه حکم کراهت محدود به خرید جنس از آنان می‌باشد یا آنکه شامل فروش کالا به آنان نیز می‌شود، اختلاف است. قول مخالف مشهور، حرمت است (نراقی: ۱۳۸۷)

برخی از موارد رانت نیز ذیل عنوان تلقی رکبان قرار می‌گیرند که در صورت ایجاد اختلال در نظام اقتصادی حرمت خواهند یافت.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی اثبات وجود دلایل متعدد، بر جرم‌انگاری رانت در قواعد فقه اسلامی و اثبات حکم تکلیفی حرمت رانت و حکم وضعی ضمان برای رانت خواران بود. در بحث و بررسی مفهوم رانت، ضمن تعیین دایره مفهومی رانت در این پژوهش، به عنوان کلی رانت و مصادیق ذیل آن‌ها اشاره شد. در ذیل قواعد فقهی دال بر جرم بودن رانت نیز دایره شمول هر یک از قواعد نسبت به مفهوم رانت بیان شد. نتایج این پژوهش نشان داد حداقل چهار قاعده فقهی مانند «حرمت اکل مال



به باطل»، «لاضرر»، «حرمت اعانه بر اثم» و «حرمت اختلال در نظام» و نیز ادله حرمت ربا و ادله نفی انحصار، حرمت رانت و ضمان رانت خواران را در مصادیق گوناگون پوشش می‌دهند. حرمت و ضمان مصادیق رانت مالی ذیل قواعد اکل مال، لاضرر، اعانه بر اثم، اختلال در نظام و ادله حرمت ربا اثبات می‌شود، حرمت و ضمان مصادیق رانت حاصل از انحصار و رانت حاصل از تاثیرگذاری دولتی ذیل همه قواعد یاد شده اثبات می‌گردند. حرمت و ضمان مصادیق، رانت اطلاعاتی با قواعد اکل مال، لاضرر، اعانه بر اثم، اختلال و ادله نفی انحصار طلبی ثابت می‌شوند و حرمت و ضمان سایر مواردی که موجب رانت می‌شود اما تحت عناوین یاد شده نیست را با قواعد اکل مال، لاضرر، حرمت اختلال در نظام و ادله نفی انحصار طلبی اثبات کرد.

این مقاله حاصل بخشی از تحقیقات انجام شده مربوط به رساله دکتری آقای حمید شیخی با عنوان ادله جرم‌انگاری رانت از دیدگاه فقه و حقوق، با راهنمایی اساتید بزرگوار آقایان دکتر محسن ملک‌افضالی اردکانی و دکتر سید علیرضا حسینی می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات انجام شده است. با تشکر و سپاس فراوان از همه اساتیدی که در نگارش این مقاله من را یاری کرده‌اند.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
 - ابن‌الاثیر، مجدالدین (۱۳۹۹ق)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی/ محمود محمد الطناحی، بیروت: المكتبة العلمية.
 - الازدی البصری، ابوبکر محمد بن حسن (۱۹۸۷)، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.



- ازهری، محمدبن‌احمد (۱۴۲۱)، تهذیب اللغة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۷)، کتاب المکاسب، مبحث بیع، قم: مجمع الفکر الاسلامی..
- آقابابایی، حسین (۱۳۸۴)، «گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرائم علیه امنیت ملت و دولت»، مجله فقه و حقوق، س ۲، ش ۵.
- بابایی احمد علی (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- پارسایار، محمد رضا (۱۳۸۵)، فرهنگ فرانسه-فارسی، چ ۳، تهران: فرهنگ معاصر.
- چهاربند، فرزانه و سبحانی، حسن (۱۳۹۷)، «تبیین رانت جوایی از طریق مجاری قانونی با رویکرد اقتصاد سیاسی: تحلیلی بر قانون گذاری در نظام بانکی ایران»، مجلس و راهبرد، ش ۲۵، ص: ۶۹-۱۱۳.
- حاج‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۸)، دولت، نفت، و توسعه اقتصادی در ایران، چ ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی، اسدالله (۱۳۹۸)، «بررسی رانت و مبارزه با رانت خواری از منظر نهج البلاغه»، معارف اسلامی و اقتصاد، ش ۹.
- حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح (۱۳۶۲)، آیات الأحکام، تهران: نوید.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴)، تذکرة الفقهاء چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البتیة.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹)، نهاية الاحکام، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البتیة.
- حمیم، سلیمان (۱۳۸۷)، فرهنگ بزرگ فارسی- انگلیسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹)، کفایة الاصول، به تصحیح مؤسسه آل‌البتیة، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البتیة.
- درویش نوری کلاکی، نسرین، وزیر، مجید و یارم طاقلوسهرابی، مریم (۱۳۹۵)، «بررسی ماهیت پدیده رانت‌خواری در حقوق و مذاهب اسلامی». چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی در روسیه.
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۷)، «انقلاب اسلامی و رانت سیاسی»، علوم اجتماعی، ش ۴۲.



- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالقلم.
- سردارآبادی، خلیل (۱۳۸۴)، «قدرت و رانت جویی سیاسی»، گزارش، ش ۱۶۷.
- شریعت اصفهانی، فتح‌الله بن محمدجواد (بی‌تا)، قاعده لا ضرر، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية.
- شکرچی‌زاده، محسن (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی جرم انگاری، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- شیخ الاسلامی، محمدعلی، قبولی درافشان، محمد تقی و فخلعی، محمدتقی (۱۳۹۷)، «بررسی فقهی حکم درآمدهای ناشی از رانت»، آموزه‌های فقه مدنی، ش ۱۸، ص: ۲۵-۳.
- شیخ الاسلامی، محمدعلی، قبولی درافشان، محمد تقی و فخلعی، محمدتقی (۱۴۰۰)، «بررسی فقهی حکم رانت خواری با استناد به قاعده لا ضرر»، فقه و اصول، ش ۵۳، ص: ۱۲۴-۱۰۵.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۹، قم: جامعه مدرسین نشر الاسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، جوامع الجامع، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴)، مجمع البیان، چ ۸، تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۸۷)، مجمع البحرین، چ ۴، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- علامه مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، کتاب العین، چ ۲، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- القزوینی الرازی، احمد بن فارس بن زکریا (۱۳۹۹)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالفکر.
- کاظمی، مهین دخت (۱۳۸۳)، «رانت با نگاهی به این معضل در ایران»، تازه‌های اقتصاد ۱۰۳.
- کبریایی، سعید (۱۳۹۲)، فرهنگ انگلیسی/فارسی Oxford elementary learner's dictionary، چ ۱۲، تهران: کهکشان دانش/آراد کتاب.



- کجوری هرج، جواد(۱۳۹۸)، «اصلاح و کاهش زمینه‌های ایجاد رانت در فرآیند تصویب لایحه بودجه در مجلس شورای اسلامی ایران»، اقتصاد مقاومتی ۴(۷)، ص ۸۳-۵۷.
- مشکینی، میرزا علی(۱۳۹۶)، ترجمه قرآن، چ ۸، تهران: اسوه.
- مصباح یزدی، محمدتقی(۱۳۹۳)، انسان سازی در قرآن، چ ۵، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مقدس اردبیلی، محمد بن حمد(بی تا)، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تهران: مکتبه المرتضویة.
- مکارم شیرازی، ناصر(۱۴۲۷)، دائرة المعارف فقه مقارن، چاپ اول، قم، ناشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ملک افضل، محسن(۱۳۹۷)، قاعده حفظ نظام، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- منتظری، حسینعلی(۱۴۱۵)، دراسات فی المكاسب المحرمه، قم: تفکر.
- موسوی خمینی، سید روح الله(۱۴۱۰)، الرسائل، چ ۱، قم: اسماعیلیان.
- نجفی جواهری، شیخ محمد حسن(۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چ ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی(۱۳۸۷)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱۴، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لایحیاء التراث/ موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- وحید بهبهانی، محمد باقر(۱۴۱۷)، الحاشیة علی مجمع الفائدة و البرهان، قم: مؤسسه علامه وحید بهبهانی.